

مجموعه مقالات ششمین کنفرانس انرژی و محیط زیست

دوم دی ۱۳۹۵، تهران، مرکز همایش‌های صدا و سیما

۰۹۱۹۷۵۵۶۴۲۴ - (۰۲۱) ۸۸۶۷۱۶۷۶

مجریان: انجمن علمی مهندسی حرارتی و برودتی ایران

و هم اندیشان انرژی کیمیا

www.Energyconf.ir



## ابعاد ژئواکونومیکی مدیریت انرژی منطقه خزر و امنیت انرژی ایران

یونس خداپرست<sup>۱</sup>، محمد صیادی<sup>۲</sup>

دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

u.khodaparast@gmail.com

### چکیده

منطقه خزر یکی از مناطق مهم ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک جهان به لحاظ وجود منابع غنی انرژی، عبور شریان‌های حیاتی انرژی و قرار گرفتن بازیگران مؤثر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای پیرامون آن است. در مناسبات ژئوپلیتیکی حوزه انرژی، دریای خزر و خلیج فارس نقش غیرقابل انکاری در تأمین انرژی جهانی ایفا می‌کنند و بسیاری از برآوردهای بین‌المللی حاکی از افزایش اهمیت منطقه خزر در آینده بازار جهانی انرژی طی دهه‌های آتی است. این منطقه به‌واسطه ظرفیتی که برای تبدیل شدن به حوزه صادرات نفت و گاز طبیعی دارد، در دهه‌های اخیر برای بازارهای جهانی انرژی حایز اهمیت شده است و حضور شرکت‌های بین‌المللی و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این حوزه را می‌توان از این منظر توجیه کرد. ایران نیز به عنوان یکی از بازیگران مهم این حوزه از موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ممتاز و مزیت‌های فراوانی نظیر دسترسی به آب‌های آزاد و قرار گرفتن در مسیر کریدور شمال به جنوب برخوردار است که با بهره‌گیری از آن‌ها می‌تواند مدیریت انرژی این منطقه را بر عهده گیرد. با این حال نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که ایران به رغم مزیت‌های گسترده تاکنون نتوانسته از ظرفیت‌های خود به خوبی استفاده نماید و در برداشت از منابع نفت و گاز دریای خزر موفق ظاهر نشده است؛ حال آنکه سایر رقبا با حداکثر توان در حال برداشت نفت و گاز از دریای خزر هستند. از این رو لازم است که با برنامه‌ریزی، دیپلماسی فعال و سیاست‌گذاری مناسب و همسو از سوی وزارت نفت و وزارت خارجه و نیز سرمایه‌گذاری در اکتشاف و توسعه میادین نفت و گاز حوزه خزر، سهم ایران از این منطقه افزایش یابد که در این صورت امنیت انرژی و به تبع آن امنیت ملی ایران نیز بهبود خواهد یافت.

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری اقتصاد نفت و گاز، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

<sup>۲</sup> - استادیار دانشکده اقتصاد، گروه اقتصاد انرژی و منابع، دانشگاه خوارزمی، تهران

مجموعه مقالات ششمین کنفرانس انرژی و محیط زیست

دوم دی ۱۳۹۵، تهران، مرکز همایش‌های صدا و سیما

۰۹۱۹۷۵۵۶۴۲۴ - (۰۲۱) ۸۸۶۷۱۶۷۶

مجریان: انجمن علمی مهندسی حرارتی و برودتی ایران

و هم اندیشان انرژی کیمیا

www.Energyconf.ir



واژگان کلیدی: دریای خزر، امنیت انرژی، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک

طبقه بندی JEL: F1, Q0, Q1

## مقدمه

انرژی به‌عنوان یکی از محرک‌های اصلی رشد و توسعه اقتصادی کشورها، از جایگاه مهمی در سیاست‌های اقتصادی و سیاسی جوامع برخوردار است و روز به روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. به‌رغم تلاش‌هایی که طی چند دهه اخیر، به‌ویژه در کشورهای صنعتی برای تنوع بخشیدن به منابع انرژی به عمل آمده است، نفت و گاز همچنان از منابع مهم سبد انرژی در جهان به شمار می‌روند. در مناسبات انرژی و ژئوپلیتیکی حوزه انرژی، مناطق خلیج فارس و دریای خزر نقش غیرقابل انکاری را در تأمین انرژی جهانی ایفا می‌کنند. بسیاری از برآوردهای بین‌المللی حاکی از افزایش اهمیت منطقه خزر در آینده بازار جهانی انرژی طی دهه‌های آتی است. اگرچه منطقه دریای خزر از زمان‌های گذشته به لحاظ اقتصادی دارای ارزش و اهمیت خاصی بوده، اما با کشف منابع نفت و گاز، عبور جریان‌های مهم انتقال نفت و گاز از این منطقه و همچنین فروپاشی نظام کمونیستی شوروی، اهمیت و موقعیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک این منطقه افزایشی دوچندان یافته است.

دریای خزر در شمال ایران، پهنه‌ای آبی است که بیش از ۳۶۰ هزار کیلومترمربع مساحت دارد و از گذشته‌های دور، شکل‌گیری استقرارگاه‌های ساحلی پیرامون دریای خزر در قلمروی ایران به نوعی با حیات این دریا گره خورده است. جنگل‌داری، ماهیگیری، کشاورزی و استفاده از سواحل آن در بخش صنعت گردشگری و حمل‌ونقل دریایی، واردات، صادرات و تجارت با بنادر ساحلی آن از دیرباز ساختار اقتصادی منطقه را شکل داده است. مسایل مربوط به دریای خزر به‌عنوان بزرگ‌ترین دریاچه جهان، در یک دهه اخیر به یکی از چالش‌های مهم صحنه بین‌المللی تبدیل شده که در حقیقت، یکی از مهم‌ترین نقاط استراتژیک جهان و کانون توجه کشورهای منطقه و قدرت‌های جهانی است. منطقه خزر به‌واسطه ظرفیتی که برای تبدیل شدن به حوزه صادرات نفت و گاز طبیعی دارد، در دهه‌های اخیر برای بازارهای جهانی انرژی حایز اهمیت شده است. البته عوامل متعددی از جمله فقدان زیرساخت‌های کافی برای صادرات، عدم توافق در خصوص مسیرهای صادراتی جدید و منازعات مرزی بین دولت‌های ساحلی، ظرفیت این منطقه را تهدید می‌کند (دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه ۱۳۸۴).

انرژی به‌عنوان حوزه‌ای استراتژیک و تأثیرگذار، جایگاه مهمی در امنیت ملی ایران از منظر اقتصادی و سیاسی دارد و می‌تواند نقشی کلیدی در ارتقای جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی ایران ایفا کند. با وجود این، اهمیت منطقه خزر تنها به منابع نفت و گاز خلاصه نمی‌شود و این منطقه اهمیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک منحصر به فردی دارد که در این تحقیق به آن می‌پردازیم. با توجه به اهمیت مسایل مربوط به دریای خزر، در این مقاله تلاش شده است تا برخی از مهم‌ترین مباحث و موضوع‌های جاری مرتبط با این حوزه، به‌ویژه از منظر امنیت انرژی مورد بررسی قرار گیرد. در همین راستا، پس از مقدمه، در بخش اول تحقیق، اهمیت اقتصادی و ژئوپلیتیکی منطقه دریای خزر مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش دوم و سوم، اهمیت منطقه دریای خزر از منظر انرژی و بازیگران

مجموعه مقالات ششمین کنفرانس انرژی و محیط زیست

دوم دی ۱۳۹۵، تهران، مرکز همایش‌های صدا و سیما

۰۹۱۹۷۵۵۶۴۲۴ - (۰۲۱) ۸۸۶۷۱۶۷۶

مجریان: انجمن علمی مهندسی حرارتی و برودتی ایران

و هم‌اندیشان انرژی کیمیا

www.Energyconf.ir



اصلی این حوزه، یعنی ایران، روسیه، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان بررسی می‌شود. همچنین در این بخش، وضعیت منابع نفت و گاز منطقه خزر از منظر میزان بهره‌برداری، میزان سرمایه‌گذاری‌ها و روند آتی مورد توجه قرار می‌گیرد. در بخش چهارم تحقیق، برخی از مهم‌ترین تهدیدهای امنیتی منطقه دریای خزر بررسی می‌شود و در بخش پنجم تحقیق، نقش منطقه دریای خزر در تأمین امنیت انرژی کشور مورد بحث قرار می‌گیرد. در خاتمه، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

## ۱- اهمیت اقتصادی و ژئوپلیتیکی منطقه دریای خزر

دریای خزر از نظر استراتژیک، یکی از مهم‌ترین قسمت‌های جهان بوده و همین موضوع باعث شده است این منطقه کانون توجه قدرت‌های منطقه‌ای و ابرقدرت‌های جهانی باشد. منطقه خزر به لحاظ ژئوپلیتیکی در چهارراهی واقع شده است که چندین سیستم منطقه‌ای را به یکدیگر متصل می‌کند؛ از یک سو، اروپا و از سوی دیگر، جنوب غرب آسیا، در یک طرف، قفقاز و در طرف دیگر، آسیای مرکزی را به هم مرتبط می‌سازد. به‌طور کلی تا اواسط قرن گذشته، اهمیت و ویژگی دریای خزر به عملیات ماهیگیری و امور شیلاتی و حمل‌ونقل دریایی و کشتیرانی منحصر بود، اما رفته‌رفته با شناخت حوزه‌ها و چاه‌های نفتی در این دریا و در پی آن، اکتشاف و استخراج نفت از سال ۱۹۴۷ به بعد، اهمیت اقتصادی و تجاری این دریا به لحاظ وجود ذخایر نفت و گاز و استخراج آن افزایش یافت.

در خصوص اهمیت اقتصادی و ژئوپلیتیک دریای خزر باید خاطر نشان کرد که ذخایر تازه کشف شده انرژی، مهم‌ترین عامل اهمیت‌بخشی به موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک منطقه بوده و آن را به صحنه فعالیت‌های دیپلماتیک و اقتصادی بیشتر تبدیل کرده است، به‌طوری که با همکاری فعال و مشارکت کشورهای ساحلی خزر، این ناحیه به نحو چشمگیری به‌مثابه صادرکننده عمده نفت خام و گاز به بازارهای انرژی جهانی ظاهر شده است و در صدور گاز به اروپا نیز نقشی حساس دارد. در واقع، ذخایر نفت و گاز منطقه خزر- آسیای مرکزی، رابطه دوجانبه و مستقیمی با وضعیت ژئوپلیتیک این منطقه داشته است. از یک سو، این ذخایر در اثر پیچیدگی‌های ژئوپلیتیک با محدودیت‌هایی در استخراج و انتقال به بازارهای جهانی مصرف مواجه بوده و از سوی دیگر، وجود این ذخایر بر اهمیت ژئوپلیتیک منطقه افزوده است.

## ۲- بازیگران حوزه ژئوپلیتیک دریای خزر

حوزه خزر متشکل از چهار حوزه ژئوپلیتیک است که عبارت‌اند از: آذربایجان از حوزه قفقاز، ترکمنستان و قزاقستان از حوزه آسیای مرکزی، روسیه در شمال و ایران در جنوب که علاوه بر برخورداری از ذخایر عظیم نفت و گاز و صنایع نفتی، مسیری ارزان و کوتاه برای انتقال منابع نفت و گاز حوزه خزر است. این کشورها در مجموع، کانون امنیتی دریای خزر را تشکیل می‌دهند. از این رو، باید مسایل خزر را حاصل ترکیب اختلافات و دیدگاه‌های چهار حوزه یاد شده دانست که در دو حوزه غربی و شرقی نیز با نیروهای مداخله‌گر فرمانطق‌های پیوند می‌خورد و الگوی پیچیده‌ای از رقابت و هم‌گرایی را شکل می‌دهد. در ادامه نقش هر یک از بازیگران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۲-۱- ایران

ایران در زمینه رژیم حقوقی دریای خزر به دنبال حاکمیت مشترک بر منابع انرژی است، اما چنانچه قرار باشد بستر دریا تقسیم شود، ایران خواهان ۲۰ درصد از بستر دریا، یعنی تقسیم مساوی آن بین پنج دولت ساحلی است. سهم ایران در تقسیم دریای خزر

مجموعه مقالات ششمین کنفرانس انرژی و محیط زیست

دوم دی ۱۳۹۵، تهران، مرکز همایش‌های صدا و سیما

۰۹۱۹۷۵۵۶۴۲۴ - (۰۲۱) ۸۸۶۷۱۶۷۶

مجریان: انجمن علمی مهندسی حرارتی و برودتی ایران

و هم‌اندیشان انرژی کیمیا

www.Energyconf.ir



براساس خط مرزی آستارا - حسینقلی، ۱۱ درصد و براساس اصل خط میانی، ۱۳/۶ درصد است و در صورت مشارکت به ۲۰ درصد افزایش می‌یابد. صرف‌نظر از منابع نفتی دریای خزر، ایران به دلیل موقعیت استراتژیکی که بین خلیج فارس، دریای خزر و شبه قاره هند دارد، همواره نقشی کلیدی و تعیین‌کننده در این حوزه داشته و دارد.

## ۲-۲- روسیه

فدراسیون روسیه، در قسمت شمالی دریای خزر قرار دارد. اگرچه این کشور ۳۰ درصد از ساحل دریای خزر و حدود ۲/۵ درصد از کل ذخایر این دریا را در اختیار دارد، اما همواره می‌کوشد تا لوله‌های انتقال انرژی از این منطقه تا حد امکان از قلمروی این کشور عبور کنند. بخش اعظم ذخایر نفتی روسیه در سیبری غربی، بین کوه‌های اورال و فلات سیبری قرار گرفته است، اما دولت یاد شده از بستر دریای خزر و اطراف جمهوری خودمختار داغستان نیز نفت استخراج می‌کند که عمده‌ترین فعالیت نفتی روسیه در حوزه دریای خزر به شمار می‌آیند.

## ۲-۳- آذربایجان

آذربایجان سابقه‌ای طولانی در استخراج و صدور نفت دارد. این کشور در دهه ۱۹۴۰ میلادی، ۷۵ درصد نفت اتحاد شوروی را تأمین می‌کرد، اما با کشف نفت در مناطق اورال و سیبری، سهم آذربایجان در تأمین نفت اتحاد شوروی کاهش یافت (هاشمی، ۱۳۸۱). آذربایجان نخستین کشوری است که درصدد برآمده با جذب همکاری شرکت‌های بزرگ نفتی، گوی سبقت را در استخراج ذخایر نفتی برپاید و طبعاً در همین راستا از حمایت‌های زیاد محافل رسمی غرب و به‌ویژه آمریکا برخوردار بوده است (جاسبی، ۱۳۸۱). این کشور به دلیل عدم دسترسی مناسب به آب‌های آزاد، به دنبال مسیری برای انتقال فرآورده‌های خود بوده است. در حال حاضر سه خط لوله باکو- نووروسیسک<sup>۳</sup>، مسیر غربی یا خطوط لوله باکو- سوپسا<sup>۴</sup> و خط لوله دیگر، باکو- تفلیس- جیحان<sup>۵</sup> است که از باکو آغاز و از طریق تفلیس در گرجستان به بندر جیحان در سواحل ترکیه منتهی می‌شود (مستقیمی، ۱۳۸۴).

## ۲-۴- قزاقستان

قزاقستان با مساحتی معادل ۲/۶ میلیون کیلومتر مربع بعد از روسیه، دومین کشور بزرگ تازه به استقلال رسیده به شمار می‌آید. برآورد می‌شود که مجموع ذخایر هیدروکربنی درون ساحلی و برون ساحلی این کشور بین ۱۷/۶ تا ۹۹ میلیارد بشکه باشد. قسمت اعظم تولید نفت قزاقستان در حوزه‌های تنگیز<sup>۶</sup>، قره‌چگانک<sup>۷</sup> و کاشگان<sup>۸</sup> واقع است. حوزه‌های نفتی تنگیز و کاشگان دارای گاز طبیعی نیز هستند. حوزه مهم دیگر گاز قزاقستان، امان‌گلدی<sup>۹</sup> در جنوب این کشور است.

<sup>۳</sup>- Baku -Novorossiisk

<sup>۴</sup>- Baku -Supsa

<sup>۵</sup>- Baku -Tbilisi -Erzurum

<sup>۶</sup>- Tengez

<sup>۷</sup>- Karachaganak

<sup>۸</sup>- Kashagan

<sup>۹</sup>- Amangeldy

مجموعه مقالات ششمین کنفرانس انرژی و محیط زیست

دوم دی ۱۳۹۵، تهران، مرکز همایش‌های صدا و سیما

۰۹۱۹۷۵۵۶۴۲۴ - (۰۲۱) ۸۸۶۷۱۶۷۶

مجریان: انجمن علمی مهندسی حرارتی و برودتی ایران

و هم‌اندیشان انرژی کیمیا

www.Energyconf.ir



قزاقستان از سال ۱۹۹۱ به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده و همواره برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی تلاش کرده است. محرک اصلی رشد اقتصادی قزاقستان، سرمایه‌گذاری خارجی گسترده در صنایع نفت و گاز است. نفت قزاقستان از سه مسیر صادر می‌شود: خطوط شمالی (از طریق خط لوله و شبکه راه‌آهن روسیه)، غربی (از طریق خط لوله کنسرسیوم خزر) و جنوبی (از راه حمل به ایران). برقراری ارتباط با دریای سیاه و خلیج فارس اجازه داده است بخشی از نفت قزاقستان (یا معادل آن از نفت ایران) به بازارهای جهانی راه یابد.

## ۲-۵- ترکمنستان

حجم عظیم ذخایر گاز ترکمنستان، این کشور را از بسیاری از درگیری‌های سیاسی و اراضی که سایر کشورهای مشابه با آن روبه‌رو هستند، دور نگه داشته است. سیاست خارجی ترکمنستان بر مبنای بهبود روابط با همسایگان، به‌ویژه ایران، در ثبات سیاسی آن مؤثر بوده است. منابع فلات قاره ترکمنستان، حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد کل ذخایر نفت و گاز این کشور را دربر می‌گیرد. در حال حاضر ترکمنستان دارای هشت حوزه بزرگ نفت و گاز است. نفت ترکمنستان بیشتر در حوزه‌های قطورتپه، نیت‌داغ و چلکن<sup>۱</sup> در نزدیکی دریای خزر قرار دارد (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱). در زمینه مسیرهای انتقال منابع انرژی، ترکمنستان یک خط لوله کوچک احداث کرده است که سالانه حدود ۳ میلیارد مترمکعب گاز به ایران تحویل می‌دهد. مسیر طراحی شده دیگر، یک خط لوله به طول ۱۵۰۰ کیلومتر است که از طریق افغانستان به پاکستان و نیز هندوستان می‌رود که موسوم به خط لوله تاپی است.

## ۳- جایگاه و اهمیت منطقه دریای خزر از منظر انرژی

### ۳-۱- وضعیت ذخایر نفت و گاز منطقه خزر

حوزه دریای خزر به لحاظ ذخایر نفت و گاز به سه حوزه خزر شمالی، خزر میانی و خزر جنوبی تفکیک می‌شود. لایه‌های نفت‌خیز در حوزه هیدروکربنی خزر شمالی به دو قسمت لایه‌های زیرسری نمکی (شامل رسوبات دوران اول) و لایه‌های روی‌سری نمکی (رسوبات دوران دوم) تقسیم می‌شوند. این رسوبات شامل سنگ‌های تخریبی و کربناته هستند. بیشتر ذخایر هیدروکربنی خزر شمالی با لایه‌های زیرسری نمکی مرتبط است که حوضه گازی آستارا خان، تنگیز و تاجیک‌علی از نمونه‌های بارز آن هستند. لایه‌های رسوبی روی‌سری نمکی در این حوضه فاقد منابع عمده نفت و گاز هستند و به‌طور عمده در دوران دوم تشکیل شده‌اند. حوضه هیدروکربنی خزر میانی شامل نواحی چندگانه‌ای است که بیشتر آنها ادامه حوضه‌های نفتی واقع در خشکی هستند. عمده منابع شناخته شده هیدروکربنی دریای خزر در منطقه خزر جنوبی واقع شده است. این حوضه را می‌توان به پنج ناحیه بزرگ آبشوران، بالخان - آبشوران، آبشوران-انزلی، باختر ترکمنستان و ناحیه عمیق خزر تقسیم کرد.

اکتشافات اخیر و آمارهای ارائه شده از سوی مراکز معتبر جهانی مانند آژانس بین‌المللی انرژی<sup>۱۱</sup> و مؤسسه مطالعات استراتژیک لندن<sup>۱۲</sup>، ذخایر قابل استحصال نفت حوزه خزر را بین ۳۷-۱۷ میلیارد بشکه یا ۳/۵-۱/۵ درصد ذخایر شناخته شده جهانی برآورد

<sup>۱۰</sup>- Katurtepe- Nabitdag- Cheleken

<sup>۱۱</sup>- International Energy Agency (IEA)

## مجموعه مقالات ششمین کنفرانس انرژی و محیط زیست

دوم دی ۱۳۹۵، تهران، مرکز همایش‌های صدا و سیما

۰۹۱۹۷۵۵۶۴۲۴ - (۰۲۱) ۸۸۶۷۱۶۷۶

مجریان: انجمن علمی مهندسی حرارتی و برودتی ایران

و هم‌اندیشان انرژی کیمیا

www.Energyconf.ir



کرده‌اند. در مورد ذخایر گاز طبیعی، اداره اطلاعات انرژی آمریکا در اوایل دهه ۱۹۹۰، رقم خوش‌بینانه ۱۵ تریلیون مترمکعب را پیش‌بینی می‌کرد که معادل حدود ۱۰ درصد کل ذخایر اثبات شده گاز طبیعی جهان بود، اما برآوردهای سایر منابع اطلاعاتی مانند آژانس بین‌المللی انرژی این ذخایر را بین ۹ - ۶/۶ تریلیون مترمکعب و ذخایر ناشناخته (اثبات نشده) را تا ۶۰ تریلیون مترمکعب برآورد کرده‌اند که به ترتیب معادل ۵/۵ تا ۳۷ درصد کل ذخایر گاز جهان است. بنابراین، این منطقه به لحاظ وجود منابع نفت و گاز همچنان ناشناخته بوده و برای تکمیل اطلاعات نیازمند انجام فعالیت‌های اکتشافی بیشتر در آینده است.

جدول ۱- ذخایر اثبات شده و محتمل حوزه خزر

کشور	نفت خام و کندانسه		گاز طبیعی	
	ذخایر (میلیارد بشکه در روز)	سهم از کل منطقه	ذخایر (تریلیون فوت‌مکعب)	سهم از کل منطقه
آذربایجان	۸/۵	٪۱۷	۵۱	٪۱۷/۴
فراساحلی	۶/۸	٪۱۴	۴۶	٪۱۵/۷
ساحلی	۱/۷	٪۳	۵	٪۱/۷
ایران	۰/۵	٪۱	۲	٪۰/۱۶
فراساحلی	۰/۵	٪۱	۱	٪۰/۳
ساحلی	ناچیز	ناچیز	۱	٪۰/۳
قزاقستان	۳۱/۲	٪۶۵	۱۰۴	٪۳۶
فراساحلی	۱۵/۷	٪۳۳	۳۶	٪۱۳
ساحلی	۱۵/۵	٪۳۲	۶۸	٪۲۳
روسیه	۶/۱	٪۱۳	۱۰۹	٪۳۷
فراساحلی	۱/۶	٪۳	۱۴	٪۵
ساحلی	۴/۵	٪۱۰	۹۵	٪۳۲
ترکمنستان	۱/۹	٪۴	۱۹	٪۷
فراساحلی	۱/۱	٪۲	۹	٪۳
ساحلی	۸/۰	٪۲	۱۰	٪۴
ازبکستان	ناچیز	ناچیز	۷	٪۲
فراساحلی	۰	۰	۰	۰
ساحلی	ناچیز	ناچیز	۷	٪۲
کل	۴۸/۲	٪۱۰۰	۲۹۲	٪۱۰۰
فراساحلی	۱۹/۶	٪۱۰۰	۱۰۶	٪۱۰۰
ساحلی	۲۸/۶	٪۱۰۰	۱۸۶	٪۱۰۰

مأخذ: EIA (2014)

مجموعه مقالات ششمین کنفرانس انرژی و محیط زیست

دوم دی ۱۳۹۵، تهران، مرکز همایش‌های صدا و سیما

۰۹۱۹۷۵۵۶۴۲۴ - (۰۲۱) ۸۸۶۷۱۶۷۶

مجریان: انجمن علمی مهندسی حرارتی و برودتی ایران

و هم اندیشان انرژی کیمیا

www.Energyconf.ir



### ۳-۲- میزان بهره‌برداری از ذخایر انرژی

براساس جدول زیر، تولید نفت حوزه خزر، ۲۶۴۵ هزار بشکه در روز است که از این میزان، قزاقستان در آسیای مرکزی با ۱۳۸۷ هزار بشکه در روز بیشترین تولید نفت را اختیار دارد و پس از آن، آذربایجان با ۹۲۲ هزار بشکه، ترکمنستان با ۲۱۶ هزار بشکه و روسیه با ۱۲۰ هزار بشکه در روز در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

جدول ۲- تولید نفت خام در منطقه خزر (هزار بشکه در روز)

کشورها	تولید نفت حوزه فراساحلی خزر	تولید نفت حوزه ساحلی خزر	تولید منطقه خزر از تولید نفت کشورها	تولید کل نفت کشورها	سهم منطقه خزر از کل تولید نفت کشورها
آذربایجان	۸۹۰	۳۲	۹۲۲	۹۲۲	۱۰۰٪
ایران	۰	۰	۰	۳۳۶۷	۰٪
قزاقستان	۳	۱۳۸۴	۱۳۸۷	۱۵۱۵	۹۲٪
روسیه	۶	۱۱۴	۱۲۰	۹۹۲۲	۱٪
ترکمنستان	۴۶	۱۷۰	۲۱۶	۲۱۶	۱۰۰٪
ازبکستان	۰	ناچیز	ناچیز	۶۶	<۱٪
کل	۹۴۵	۱۷۰۰	۲۶۴۵	۱۶۰۰۷	۱۷٪

مأخذ: (2014) EIA

منطقه خزر از ذخایر و تولید گاز نیز برخوردار بوده و با توجه به گزارش اداره اطلاعات انرژی آمریکا<sup>۱۳</sup>، تولید گاز طبیعی، ۲۵۴۹ میلیارد فوت‌مکعب گاز است که از این میزان، قزاقستان با ۱۰۲۵ میلیارد فوت‌مکعب در مکان نخست قرار دارد و آذربایجان با ۷۴۵ میلیارد فوت‌مکعب و روسیه با ۴۸۵ میلیارد فوت‌مکعب در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

جدول ۳- تولید گاز طبیعی در منطقه خزر (میلیارد فوت‌مکعب در سال)

کشورها	تولید گاز حوزه فراساحلی خزر	تولید گاز حوزه ساحلی خزر	تولید کل گاز منطقه خزر	تولید کل گاز کشورها	سهم منطقه خزر از کل تولید گاز کشورها
آذربایجان	۵۶۲	۱۸۳	۷۴۵	۷۴۵	۱۰۰٪
ایران	۰	۰	۰	۷۹۱۵	۰٪
قزاقستان	ناچیز	۱۰۲۵	۱۰۲۵	۱۳۹۰	۷۴٪
روسیه	۱۷	۴۸۶	۴۸۵	۳۳۶۸۹	۲٪
ترکمنستان	۱	۲۸۳	۲۸۴	۲۳۳۸	۱۲٪
ازبکستان	۰	۱۰	۱۰	۲۲۲۶	<۱٪
کل	۵۸۰	۱۹۶۹	۲۵۴۹	۳۸۳۰۰	۷٪

<sup>۱۳</sup>- Energy Information Administration (EIA)



مجموعه مقالات ششمین کنفرانس انرژی و محیط زیست

دوم دی ۱۳۹۵، تهران، مرکز همایش‌های صدا و سیما

۰۹۱۹۷۵۵۶۴۲۴ - (۰۲۱) ۸۸۶۷۱۶۷۶

مجریان: انجمن علمی مهندسی حرارتی و برودتی ایران

و هم‌اندیشان انرژی کیمیا

www.Energyconf.ir



مأخذ: EIA (2014)

### ۳-۳- ظرفیت‌های آبی بهره‌برداری

براساس پیش‌بینی‌های IEA، تولید نفت خام چهار کشور آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان در دو دهه آبی رشد قابل توجهی خواهد داشت که این افزایش ناشی از توسعه میادین موجود و همچنین بهره‌برداری از میادین جدید، به‌ویژه در قزاقستان و آذربایجان است. بر این اساس، تولید نفت خام این کشورها از ۳/۱ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۰ به ۵/۴ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۳۰ افزایش خواهد یافت و سپس، با اندکی کاهش به ۵/۲ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۳۵ خواهد رسید. با وجود آنکه با اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی در این کشورها تقاضای داخلی برای نفت خام افزایش ملایمی خواهد داشت، اما کماکان نفت خام قابل صادرات وجود خواهد داشت، به طوری که بعد از سال ۲۰۲۵، میزان صادرات نفت خام این کشورها به ۴/۶ میلیون بشکه در روز می‌رسد که این مقدار، در نهایت، در سال ۲۰۳۵ به ۴/۳ میلیون بشکه در روز کاهش خواهد یافت. این میزان در مقایسه با صادرات ۲/۵ میلیون بشکه در روز این کشورها در سال ۲۰۱۰ بالغ بر ۷۲ درصد رشد را نشان می‌دهد. تولید گاز طبیعی نیز در طول دوره مورد بررسی افزایش قابل توجهی داشته است و خواهد داشت و از ۱۵۰ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۱۰ به ۲۶۰ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۲۰ و در نهایت، ۳۱۵ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۳۵ افزایش خواهد یافت (شادی‌وند، ۱۳۹۱).

### ۴- تهدیدهای امنیتی دریای خزر

در دهه‌های گذشته دریای خزر و مسایل آن در پی تحولات به‌وجود آمده در صحنه سیاسی و جغرافیایی منطقه، به‌عنوان مقوله‌ای جدید در روابط کشورهای منطقه و جهان در سطوح مختلف مطرح شده است؛ مسایلی مانند تعیین نشدن رژیم حقوقی دریای خزر، حفاظت از محیط زیست، حضور بازیگران فرامنطقه‌ای و مسایل امنیتی مترتب‌بر آن در سطوح مختلف مد نظر و سپس، مذاکره قرار گرفته‌اند. در ادامه به شرح هر یک از موارد یادشده می‌پردازیم.

#### ۴-۱- تعیین نشدن رژیم حقوقی دریای خزر

دریای خزر در طول تاریخ، توسط اقوام شمالی و جنوبی، یعنی خزرها، اسلاوها، ترک‌ها، ترکمن‌ها، ایرانی‌ها و... مورد بهره‌برداری قرار گرفته است و به‌جز در قرن ۱۹ میلادی که تزارهای روسیه به دلیل رقابت‌های شدید سیاسی و اقتصادی، این دریا را یک دریای روسی به شمار آوردند، هیچ‌گاه بین اقوام ساحلی، در مورد بهره‌برداری از منابع غیرنفتی این دریا منازعه طولانی‌مدتی به‌وجود نیامده است. فروپاشی شوروی و اهمیت نفت در قرن اخیر موجب توجه کشورهای ساحلی به این ماده حیاتی شد و اختلافاتی در زمینه نحوه بهره‌برداری منابع انرژی این دریا بروز کرد.

افزایش دولت‌های ساحلی از دو به پنج دولت و در نتیجه، تغییر نقشه سیاسی منطقه و افزایش شمار بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، شرایطی را رقم زد که اختلاف در برداشت‌ها و تضاد منافع را در پی داشت و در نتیجه، گفتمان جدیدی در خصوص این گستره آبی و در نهایت، رژیم حقوقی دریای خزر ایجاد شد، در حالی که هر یک از کشورهای ساحلی با مد نظر قرار دادن منافع ملی خود خواهان تدوین یک رژیم حقوقی خاص هستند که در این بین، دو جریان ایران و روسیه و آذربایجان- قزاقستان نمود بیشتری دارد.



مجموعه مقالات ششمین کنفرانس انرژی و محیط زیست

دوم دی ۱۳۹۵، تهران، مرکز همایش‌های صدا و سیما

۰۹۱۹۷۵۵۶۴۲۴ - (۰۲۱) ۸۸۶۷۱۶۷۶

مجریان: انجمن علمی مهندسی حرارتی و برودتی ایران

و هم اندیشان انرژی کیمیا

www.Energyconf.ir



وضعیت حقوقی عرصه آبی خزر با توجه به عدم توافق در خصوص این مسأله که آیا این عرصه دریاست یا دریاچه؟ همچنان نابسامان است. اگر خزر از نظر حقوقی دریا تلقی شود، کشورهای ساحلی می‌توانند کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل را به کار ببرند و اگر دریاچه تلقی شود، کشورهای حاشیه‌ای می‌توانند از دیگر ابعاد حقوق بین‌المللی درباره دریاچه‌های مرزی برای تعیین مرز استفاده کنند. روسیه، قزاقستان و آذربایجان وضعیت حقوقی و مرزهای دریایی خود را مشخص کرده‌اند، اما رژیم حقوقی ایران و سایر کشورهای حوزه خزر همچنان نامشخص است.

وضعیت حقوقی دریای خزر یکی از مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین مسایل حوزه دریای خزر در ده سال اخیر بوده است. عوامل مهمی بر پیچیدگی تبیین نظام حقوقی دریای خزر افزوده است که اهمیت فزاینده ژئوپلیتیک منطقه، مسأله انتقال نفت و گاز به بازارهای جهانی و انتخاب راه مناسب برای آن، سیاست‌های برخی از کشورها برای توسعه نفوذ خود در منطقه و تلاش کشورهای تازه استقلال‌یافته حاشیه دریای خزر برای بهره‌برداری از منابع هیدروکربنی به‌منظور توسعه اقتصادی و تثبیت وضع سیاسی خود و در نهایت، کاهش وابستگی به روسیه از مهم‌ترین آنها هستند. هر یک از کشورهای مجاور دریای خزر دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به رژیم حقوقی دریای خزر دارند.

#### ۴-۲- حضور بازیگران فرامنطقه‌ای در حوزه خزر

پس از فروپاشی شوروی و تشکیل چندین جمهوری نوپا در آسیای مرکزی و قفقاز، پای بازیگران خارجی به منطقه خزر باز شده و گروه‌بندی‌های تازه‌ای در این پهنه شکل گرفت است. امروزه یک بازی بزرگ بین کشورهای حوزه دریای خزر و قدرت‌های خارجی عمده، از جمله آمریکا در خصوص انرژی این منطقه در حال شکل‌گیری است و قدرت‌های بزرگ می‌کوشند با جذب همکاری دولت‌های منطقه منافع خود را تعقیب کنند. هر یک از قدرت‌های صاحب نفوذ در منطقه سعی دارند با وارد کردن دولت‌های این منطقه در حوزه نفوذ خود، ضمن اتحاد و نزدیکی با آنها برای تأمین منافع خود در منطقه، نقش و دامنه قدرت خود را در صحنه جهانی وسعت بخشند.

همچنین ممکن است هر یک از دولت‌های منطقه برای تعقیب منافع خود، همکاری و اتحاد با یکی از قدرت‌های بزرگ را بر همکاری با دیگر قدرت‌ها ترجیح دهند و به گسترش روابط با آن قدرت بپردازند. بنابراین، منافع دولت‌های منطقه با منافع قدرت‌های بزرگ پیوند می‌خورد و به تبع آن، رقابت‌های قدرت‌های بزرگ به رقابت بین دولت‌های منطقه (که هر کدام به سوی یکی از قدرت‌ها تمایل دارند) تبدیل می‌شود. این حوزه توجه کشورهای زیادی از جمله: آمریکا، رژیم اشغالگر قدس، اتحادیه اروپا، چین، ترکیه و نیز ناتو را به خود معطوف کرده است.

#### ➤ آمریکا

سیاست آمریکا در حوزه خزر را می‌توان به سه دوره تاریخی تقسیم کرد: ۱- از فروپاشی شوروی تا سال ۱۹۹۳، ۲- از سال ۱۹۹۳ تا حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و ۳- دوره پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱. در دوره اول، مهم‌ترین اهداف آمریکا عبارت بودند از: مقابله با رشد اسلام‌گرایی با ترویج مدل ترکیه، کمک‌های مالی و انسان‌دوستانه با اهداف سیاسی خاص و کنترل فناوری سلاح‌های هسته‌ای. در دوره دوم، با روی کار آمدن کلینتون در سال ۱۹۹۳، جهت‌گیری سیاست خارجی آمریکا در حوزه خزر با حضور شرکت‌های نفتی غول‌پیکر برای اکتشاف، استخراج و انتقال مواد هیدروکربنی و حضور فعال اقتصادی در این منطقه تغییر یافت (صدقی، ۱۳۸۱). علاوه بر آن، انتقال منابع نفت و گاز حوزه دریای خزر از مسیرهای مورد علاقه آمریکا در مسیر غرب به شرق از طریق افغانستان و مسیر شرق به غرب (باکو-جیحان)، یکی از مهم‌ترین اهداف آمریکا را در منطقه شکل می‌داد. دوره سوم که پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود، مسأله مبارزه با تروریسم، ابزارهای سیاسی تازه‌ای را در

مجموعه مقالات ششمین کنفرانس انرژی و محیط زیست

دوم دی ۱۳۹۵، تهران، مرکز همایش‌های صدا و سیما

۰۹۱۹۷۵۵۶۴۲۴ - (۰۲۱) ۸۸۶۷۱۶۷۶

مجریان: انجمن علمی مهندسی حرارتی و برودتی ایران

و هم‌اندیشان انرژی کیمیا

www.Energyconf.ir



اختیار واشینگتن قرار داد تا سیاست‌های خود را پیش ببرد. واقعیت این است که یکی از اهداف راهبردی آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر، تسلط بر مناطق استراتژیک و ژئوپلیتیک جهان، به‌خصوص حوزه دریای خزر است (وحیدی، ۱۳۸۱).

براساس این، هر گاه آمریکا امنیت این مناطق استراتژیک و منابع نفتی را در خطر ببیند، از امکان اقدام نظامی با استفاده از پایگاه‌های مستقر در این مناطق برخوردار خواهد بود. حضور نظامی آمریکا در حوزه خزر، به‌ویژه بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، موجب شد این کشور به بازیگری عمده در حوزه خزر تبدیل شود و میزان تأثیرگذاری آن بر روند تکمیل رژیم حقوقی دریای خزر بیشتر شود. پیامد دیگر حضور نظامی آمریکا، افزایش نقش این کشور در حل‌وفصل بحران‌ها و مناقشات منطقه‌ای مانند بحران ناگورنو-قره‌باغ است که امکان دارد به ظهور فرمول‌های جدیدی در حل منازعات یا موجب افزایش رقابت بین کشورهای منطقه و تشدید مخاصمات منجر شود (Peuch, 2001).

### ➤ ترکیه

به‌طور کلی می‌توان نقش ترکیه را در حوزه خزر به سه دوره تقسیم کرد: نخستین دوره، فعالیت هدفمند در اوایل استقلال جمهوری‌های شوروی سابق در قالب‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... به‌منظور ایجاد حوزه نفوذ. دوم، مشارکت در برخی کنسرسیوم‌های نفتی در مرحله اکتشاف و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز در جمهوری‌های منطقه و سوم، حضور جدی در احداث خطوط صادراتی انرژی نفت و گاز منطقه که در تمام مراحل، حمایت بدون شائبه غرب و آمریکا را به همراه داشته که شاید دلیل اصلی موفقیت آن نیز همین عامل مهم بوده است. ترکیه در زمینه برآوردن نیازهای انرژی خود، کشوری خودکفا نیست. از سوی دیگر، سه‌چهارم ذخایر نفت و گاز اثبات شده جهان در اطراف ترکیه وجود دارد. بنابراین، مسأله انتقال انرژی از مسایلی است که نقش آینده ترکیه را در نظام بین‌المللی تعیین خواهد کرد. عبور خطوط لوله نفت و گاز از ترکیه، علاوه بر درآمدهای سرشاری که نصیب این کشور می‌کند، می‌تواند به لحاظ سیاسی قدرت چانه‌زنی آن را در مسایل بین‌المللی افزایش دهد.

یکی دیگر از مسایلی که منافع تجاری ترکیه و اهداف ژئوپلیتیکی این کشور را خدشه‌دار می‌کند، مطرح بودن ایران به‌عنوان ارزان‌ترین، کارآمدترین و امن‌ترین راه برای انتقال نفت دریای خزر به بازارهای جهانی است. انتقال نفت و گاز منطقه از مسیرهایی غیر از مسیر ایران، ضمن کاهش نفوذ و فرصت‌های رقیب، به ترکیه امکان می‌دهد تا هم از درآمد قابل توجهی برخوردار شود و هم نقش تعیین‌کننده‌ای در حیات سیاسی و اقتصادی دولت‌های تازه تأسیس ایفا کند. وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فضای امنیتی منطقه را تغییر داد و فرصت مناسبی را برای حضور ترکیه در عرصه‌های امنیتی و سیاسی منطقه فراهم کرد. ترکیه در این فضا موفق شد به شکل مناسبی تحت عنوان مبارزه با تروریسم بین‌المللی جایگاه خود را در منطقه، به‌ویژه در عرصه‌های امنیتی تقویت کند.

### ➤ چین

قدرت دیگری که در حوزه خزر نقش عمده‌ای در سیاست‌های انرژی منطقه ایفا می‌کند، دولت کمونیستی چین است. توسعه اقتصادی چین در دهه‌های اخیر تأمین انرژی این کشور را با مشکلات عدیده‌ای مواجه کرده است. چین به تنهایی ۳۰ درصد از افزایش تقاضا را برای نفت جهانی در خلال سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ دارا بوده است. اغلب کارشناسان حوزه انرژی بر این باورند که مصرف نامحدود چین باعث ایجاد بحران و محدودیت در گفتمان بین‌المللی انرژی خواهد شد و براساس پیش‌بینی‌ها تا سال ۲۰۲۰ نیاز چین به واردات نفت به ۳۰۰-۲۵۰ میلیون تن در سال خواهد رسید (Dwivedi, 2006).

مجموعه مقالات ششمین کنفرانس انرژی و محیط زیست

دوم دی ۱۳۹۵، تهران، مرکز همایش‌های صدا و سیما

۰۹۱۹۷۵۵۶۴۲۴ - (۰۲۱) ۸۸۶۷۱۶۷۶

مجریان: انجمن علمی مهندسی حرارتی و برودتی ایران

و هم‌اندیشان انرژی کیمیا

www.Energyconf.ir



بنابر دلایل یادشده و مسایل استراتژیک، امکان دستیابی به ذخایر نفت منطقه، تأمین ثبات سیاسی در آسیای مرکزی، ایستادگی در مقابل قدرت نظامی آمریکا در حوزه خزر و خلیج فارس و یافتن بازار جدید برای تولیدات چینی، آسیای مرکزی برای دولت چین دارای اهمیت است (بروجردی و همکاران، ۱۳۹۰).

### ➤ اتحادیه اروپا

در استراتژی اتحادیه اروپا برای انرژی خود تا افق ۲۰۲۰، بر جایگاه دریای خزر برای تأمین انرژی اروپا تأکید زیادی شده است. اروپا می‌کوشد از وابستگی خود به انرژی خاورمیانه و همچنین روسیه، به‌ویژه پس از وقایع اخیر در روابط روسیه و اوکراین بکاهد و به همین دلیل توجه بیشتری به حوزه انرژی خزر نشان می‌دهد. پس از قضیه اوکراین، اروپایی‌ها تصمیم گرفتند به مقوله انرژی صرفاً در چهارچوب اقتصادی نگاه نکنند، بلکه به ابعاد امنیتی آن نیز توجه داشته باشند (اطاعت و همکاران، ۱۳۹۰).

اتحادیه اروپا نخستین وظیفه خود را کمک به کشورهای تازه استقلال‌یافته در راستای تحکیم استقلال خود و ترویج دموکراسی در این کشورها می‌بیند. از این‌رو، اتحادیه اروپا در قالب قراردادهای مشارکت، بخشی از استراتژی خود که این کشورها را قادر می‌سازد تا در روابط سیاسی و اقتصادی خویش، دیگر تنها به سمت مسکو جهت‌گیری نکنند، تنظیم کرده است. اروپا، نه تنها روابط دوجانبه خود را با هر یک از کشورهای منطقه خزر از طریق قراردادهای مشارکت توسعه داده، بلکه در پی آن است تا روابط خود را با این جمهوری‌ها در به صورتی چندجانبه، مانند حمل‌ونقل کالا و انرژی نیز گسترش دهد.

### ۴-۳- وضعیت زیست‌محیطی دریای خزر

مسأله مهم دیگر که ممکن است امنیت کشورهای ساحلی خزر را تهدید کند، موقعیت زیست‌محیطی دریای خزر است. منابع آلوده‌کننده دریای خزر را می‌توان به دو گروه (آلودگی ناشی از منابع واقع در خشکی و آلودگی ناشی از بهره‌برداری از منابع نفت و گاز) تقسیم کرد. در بین کشورهای ساحلی دریای خزر، روسیه بزرگ‌ترین آلوده‌کننده محیط زیست دریای خزر است. این کشور ۸۰ درصد آلودگی دریای خزر را ایجاد می‌کند. پس از آن، جمهوری آذربایجان (خلیج باکو آلوده‌ترین قسمت دریا است) و در مرحله بعد قزاقستان و ترکمنستان قرار دارند. سرچشمه‌های اصلی این آلودگی عبارت‌اند از: فضولاتی که وارد ولگا می‌شود، نیروگاه‌های اتمی قزاقستان، صنعت نفت در باکو و صنایع نفت در ساحل شرقی ترکمنستان. دریای خزر بزرگ‌ترین دریاچه جهان است و اکوسیستمی بسته به شمار می‌آید و تنها از طریق کانال‌های ولگا-دن و ولگا-بالتیک به آب‌های آزاد جهان راه دارد؛ بنابراین، تهدیدهای زیست‌محیطی در این پهنه آبی اهمیت زیادی دارد، زیرا پیامدهای جدی‌تری می‌یابد (کولایی، ۱۳۸۵).

### ۵- نقش دریای خزر در تأمین امنیت انرژی ایران

امنیت انرژی به عرضه مداوم و مطمئن با قیمت‌های معقول در حامل‌های انرژی مربوط است و درصدد است تهدیدهای ژئوپلیتیک، اقتصادی، تکنیکی و زیست‌محیطی ناظر بر بازارهای انرژی را کاهش دهد. امنیت انرژی از منظر کشورهای تولیدکننده نفت و گاز این است که به یک بازار مداوم و همراه با رشد منطقی در آینده دسترسی داشته باشند، زیرا بیشتر این کشورها از گروه اقتصادهای تک‌محصولی هستند که به شکل عمیقی به فروش نفت وابسته‌اند و هر گونه احتمال کاهش تقاضا یا توجه کشورهای

مجموعه مقالات ششمین کنفرانس انرژی و محیط زیست

دوم دی ۱۳۹۵، تهران، مرکز همایش‌های صدا و سیما

۰۹۱۹۷۵۵۶۴۲۴ - (۰۲۱) ۸۸۶۷۱۶۷۶

مجریان: انجمن علمی مهندسی حرارتی و برودتی ایران

و هم‌اندیشان انرژی کیمیا

www.Energyconf.ir



توسعه‌یافته به انرژی‌های جایگزین یا ترجیح آنان در تأمین نفت و گاز از کشورهای غیراوپک، به معنای ایجاد مانع در توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی این کشورهاست (ببری گنبد، ۱۳۹۳).

ژئوپلیتیک چندگانه، ایران را به پل ارتباطی مهم‌ترین مناطق تأمین‌کننده انرژی جهان در قرن ۲۱ تبدیل کرده و سبب افزایش اهمیت ژئوپلیتیک ایران در بین دو منطقه حساس انرژی جهانی، یعنی حوزه خزر و خلیج فارس شده است. این منطقه که حد فاصل بین خلیج فارس و دریای خزر را شامل می‌شود، در اصطلاح «بیضی انرژی» جهان می‌نامند. حدود ۸۰ درصد ذخایر انرژی جهان در این بیضی انرژی قرار دارد و ایران از نظر ژئوپلیتیکی در قلب این منطقه قرار گرفته است. در واقع، قرار گرفتن ایران در این مرکز حساس، امنیت این کشور را با امنیت منطقه و جهان گره می‌زند.

#### ۵-۱- فعالیت‌های ایران در دریای خزر

وجود منابع و ظرفیت‌های هیدروکربنی در دریای خزر موجب شده است کشورهای حاشیه این دریا به‌منظور استخراج و بهره‌برداری از منابع هیدروکربنی حضوری فعال داشته باشند. در این بین، ایران نیز مانند دیگر کشورها برای بهره‌مندی از این منابع خدادادی و صیانت از حقوق ملی کشور، به فعالیت‌های اکتشافی در آب‌های عمیق دریای خزر اقدام است.

در سال ۱۹۵۷، نخستین چاه اکتشافی توسط شرکت ملی نفت در نزدیک محمودآباد حفر و تا سال ۱۹۷۰، تعداد ۱۶ حلقه چاه در این منطقه حفر شد که از تمام حفاری‌های انجام شده تنها گاز طبیعی به‌دست آمد و بررسی‌های فنی نشان داد که ادامه عملیات غیراقتصادی خواهد بود. در سال ۱۹۹۸، شرکت ملی نفت ایران در مناقصه‌ای، مطالعه و لرزه‌نگاری ۳۱۰۰۰ کیلومتر از جنوب دریای خزر را به کنسرسیومی متشکل از شرکت شل ۱۴ و لاسمو ۱۵ واگذار کرد. با تأسیس شرکت نفت خزر در دی ۱۳۷۶ شمسی، قرارداد اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز دریای خزر و سه استان ساحلی گلستان، گیلان و مازندران به این شرکت واگذار شد (شرکت نفت خزر).

به‌طور کلی، در ابتدا عمده فعالیت‌های ایران در دریای خزر به انجام عملیات لرزه‌نگاری و حفر چاه‌های اکتشافی در خشکی و آب‌های کم‌عمق ساحلی محدود بود. طی چهار دهه گذشته، در مجموع، ۱۶ حلقه چاه در خشکی و ۳ حلقه چاه در بخش کم‌عمق دریای خزر حفاری شده است که یا بی‌نتیجه بوده یا به لحاظ اقتصادی قابل بهره‌برداری نبوده‌اند. در نهایت، با توجه به فقدان هیدروکربن در منطقه کم‌عمق، کارشناسان شرکت نفت خزر به مطالعه بخش عمیق دریای خزر پرداختند که پس از عملیات لرزه‌نگاری در بخش عمیق دریای خزر و انجام مطالعات اولیه به شناسایی ۴۶ ساختار دارای ظرفیت هیدروکربن در این منطقه منجر شد. براساس این مطالعه، احتمال وجود نفت و گاز در ۸ بلوک بیشتر است. از آنجا که بیشتر این بلوک‌ها در عمق ۴۰۰ تا ۸۰۰ متر از سطح آب قرار دارند، برای انجام حفاری اکتشافی در آنها به دکلی مناسب مانند دکل‌های نیمه‌شناور نیاز است که به‌منظور ساخت چنین دکلی برای حفاری تا عمق ۱۰۰۰ متر اقدام‌هایی صورت گرفته است. در این راستا، ایران سکوی استخراج نفت «ایران‌برز» را در دریای خزر به آب انداخت که امکان اکتشاف ذخایر نفت و گاز را در این دریا فراهم می‌سازد. در این راستا ایران تلاش خواهد کرد از آن برای بهره‌برداری از حوزه‌های نفتی دریای خزر (که در فاصله ۸۰-۵۰ کیلومتری از خطوط مرزی «آستارا - حسین‌قلی» واقع شده است) استفاده کند.

<sup>۱۴</sup>- sheil

<sup>۱۵</sup>- Lasmo

مجموعه مقالات ششمین کنفرانس انرژی و محیط زیست

دوم دی ۱۳۹۵، تهران، مرکز همایش‌های صدا و سیما

۰۹۱۹۷۵۵۶۴۲۴ - (۰۲۱) ۸۸۶۷۱۶۷۶

مجریان: انجمن علمی مهندسی حرارتی و برودتی ایران

و هم‌اندیشان انرژی کیمیا

www.Energyconf.ir



نخستین ساختاری که در آن عملیات حفاری انجام گرفت، ساختار ۶/۲ بود که امروز به نام «میدان سردار جنگل» نام‌گذاری شده است. نخستین چاه در این ساختار به نفت رسید. ساختار سردار جنگل نخستین ساختاری است که شرکت نفت خزر در آن به حفاری اقدام کرد و صنعت نفت کشور در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۱ برای نخستین بار موفق به کشف نفت در دریای خزر شد. این میدان حاوی دو میلیارد بشکه نفت درجاست که حداقل ۵۰۰ میلیون بشکه از این مقدار قابل برداشت است (وبسایت شرکت نفت خزر، ۱۳۹۴).

## ۵-۲- ایران و رژیم حقوقی دریای خزر

کشورهای حوزه دریای خزر مانند قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان در برداشت از منابع انرژی این دریا بسیار موفق عمل کرده‌اند و روزبه‌روز بر تولید خود می‌افزایند، روسیه نیز فعالیت‌های گسترده خود را از چندی پیش شروع کرده و به پیشرفت‌هایی نیز دست یافته است، اما با وجود این و با توجه به پیش‌بینی‌های اولیه که سهم کشور ما را از ذخایر نفت خزر حدود ۲۰ میلیارد بشکه نفت می‌داند (این میزان بسیار بیشتر از منابع ذخایر روسیه در این دریاست)، ایران تاکنون در تولید حتی یک بشکه از این میزان نیز ناتوان بوده است. برخی کارشناسان علت تأخیر ایران را در برداشت از ذخایر نفتی خزر، بلاتکلیفی سهم کشورمان از دریای خزر می‌دانند؛ مسأله‌ای که تقریباً چند سالی است بلاتکلیف مانده و آخرین گمانه‌زنی‌ها حکایت از آن دارد که ۴ کشور همسایه ما به فکر توافق با یکدیگر بر سر سهم خود از دریای خزر هستند تا در این صورت ایران را وادار به پذیرش نظر خود کنند. این دیدگاه تا حدی می‌تواند درست باشد، زیرا برآوردها در ذخایر منابع نفتی ایران حاکی از آن است که بیشترین منابع نفتی شناسایی شده ایران در این دریا، دقیقاً در محلهایی است که اختلافات متعددی بر سر تعیین حدود مرزی دریایی با ترکمنستان و به‌ویژه جمهوری آذربایجان وجود دارد، اما این موضوع نمی‌تواند عامل اصلی بهره‌برداری نکردن کشورمان از منابع نفتی این دریا باشد. در قراردادهای منعقد شده بین ایران و شوروی برای چگونگی استفاده از منابع نفت و گاز دریای خزر مقرراتی وضع شده بود و اصلاً مشخص نبود که دو کشور چگونه باید از منابع نفتی دریای خزر استفاده کنند. از آنجا که براساس معاهده بین دو کشور، استفاده از دریای خزر برای هر یک از دو طرف به صورت مشاع قلمداد شده بود، از این‌رو، هیچ‌گونه مانع قانونی به‌منظور حفاری برای ایران وجود نداشت. اما ایران از دست زدن به چنین کاری خودداری نمود و میدان را یا به صورت اجباری یا به‌واسطه ضعف دیپلماسی کشورمان برای طرف مقابل خود باز گذاشت و تا سال ۱۳۶۸ هیچ فعالیتی را برای حفاری در دریای خزر انجام نداد.

ایران در سال‌های اخیر به‌رغم تأکید بر لزوم تعیین رژیم حقوقی خزر برپایه اصل مشاع نسبت به تقسیم این دریا به‌شرط قرار گرفتن بیست درصد برای هر کشور ساحلی ابراز تمایل کرده، اما به‌هیچ‌وجه رژیم ترکیبی و دوگانه را به رسمیت نشناخته و معتقد است که تنها باید یک رژیم بر سطح بستر و زیر بستر این دریا حاکم شود. با وجود این، لزوم کاهش منازعات سیاسی در این منطقه و ممانعت از فراهم کردن زمینه برای حضور قدرت‌های غربی، در کنار لزوم تعیین سریع یک رژیم حقوقی مبتنی بر رضایت تمام اعضا، باعث ایجاد تغییراتی در دیدگاه مقام‌های ایرانی و دیگر کشورهای ساحلی شده است. طی سال‌های اخیر با ملاقات‌هایی که بین کشورهای ساحلی این دریا صورت گرفته است، طرفین به توافق‌هایی در زمینه تقسیم منابع نفتی این منطقه دست‌یافته‌اند.

در سال‌های اخیر کشورمان نیز فعالیت‌هایی هرچند کمتر و ناکافی را در این قسمت از دریا شروع کرده است. با توجه به اینکه ایران امیدی به اجماع کشورهای منطقه خزر روی تقسیم عادلانه دریا ندارد، درصدد است تا میدان را برای طرف‌های مقابل برای محق دانستن خود و ادعاهای بی‌پایه و اساس آنها باز نگذارد. از این‌رو، در سال‌های اخیر بدون توجه به نظام کنونی دریا، کوشیده است در حوزه‌های مورد نظر خود فراتر از خط فرضی حسین‌قلی - آستارا به فعالیت‌های اکتشافاتی بپردازد. البته تا آنجا که این موضوع به



مجموعه مقالات ششمین کنفرانس انرژی و محیط زیست

دوم دی ۱۳۹۵، تهران، مرکز همایش‌های صدا و سیما

۰۹۱۹۷۵۵۶۴۲۴ - (۰۲۱) ۸۸۶۷۱۶۷۶

مجریان: انجمن علمی مهندسی حرارتی و برودتی ایران

و هم‌اندیشان انرژی کیمیا

www.Energyconf.ir



بحران در روابط با چهار کشور دیگر ساحلی منجر نشود. چنین رویکردی نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل در شروع فعالیت‌های نفتی ایران در دریای خزر مشخص نبودن رژیم حقوقی خزر است. بنابراین، ایران درصدد است اجازه ندهد خط فرضی یادشده به‌عنوان مرز دریایی کشور شناخته شود و بنا دارد قبل از آنکه ماجرای تقسیم دریا جدی شود، جای پای خود را ورای خط فرضی محکم‌تر کند.

### ۳-۵ - تأثیر عبور لوله‌های نفت و گاز بر امنیت انرژی ایران

یکی از مشکلات عمده منطقه خزر که شاید به مانعی مهم در توسعه نفت و گاز منطقه تبدیل شده، انحصاری بودن خطوط لوله نفت و گاز منطقه برای روسیه است. ناتوانی کشورهای منطقه برای ایجاد زیرساخت‌های ترانزیت به دلیل وضعیت نامساعد اقتصادی، آنها را وادار به استفاده از سیستم خطوط لوله روسیه می‌سازد که در پاره‌ای از موارد این کشورها را ناچار به تولید کمتر نفت و گاز کرده است.

در سال‌های پس از فروپاشی شوروی و گذار به نظم امنیتی جدید، فعالیت‌های تجاری و اقتصادی کشورهای منطقه به شدت متأثر از مقوله امنیت شده است. در این شرایط که وجود منابع غنی نفت و گاز، انتقال انرژی را به مهم‌ترین سیاست‌های دولت‌های منطقه تبدیل کرده است، مسیرهای پیشنهادی موجود برای انتقال انرژی به نوعی با معضل امنیتی مواجه‌اند. موقعیت جغرافیایی ایران به‌مثابه پل ارتباطی دریای خزر و خلیج فارس، امکان فوق‌العاده‌ای برای امتداد لوله‌های نفتی از دریای خزر به خلیج فارس و دریای عمان فراهم می‌آورد. این موقعیت نه تنها کوتاه‌ترین و امن‌ترین راه را برای صدور نفت و گاز از دریای خزر به ژاپن و خاور دور در اختیار دارد، بلکه مزایای دیگری مانند تجربه نودساله ایران در صنایع نفت و گاز، تأسیسات نفتی و گازی ایران، تسهیلات بندری ایران و پالایشگاه‌ها و شبکه لوله‌های نفتی و گازی موجود را دارا است که باعث برتری مسیری نسبت به دیگر مسیرها می‌شود.

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که کشورهای آسیای مرکزی با آن روبرو هستند، مسأله انتقال نفت و گاز این کشورها به خارج از منطقه است. بحث بر سر چگونگی عبور خط لوله باعث تنش‌های سیاسی شده است؛ برای مثال، قزاقستان از جمله کشورهایی است که هنوز برخلاف نظر آمریکاییان، مناسب‌ترین مسیر انتقال لوله نفت و گاز حوزه خزر را از مسیر ایران می‌داند. این مسیر که از بندر نکا عبور می‌کند، از نظر قزاق‌ها اقتصادی‌ترین و باصرفه‌ترین مسیر عبور خط لوله و در عین حال امن‌ترین مسیر بوده و علت آن بی‌ثباتی موجود در منطقه قفقاز و داغستان جنوبی است. مهم‌ترین چالشی که متوجه این موضوع بوده، قرارداد باکو-جیحان و عبور خط لوله از بستر دریای خزر است (شیرازی، ۱۳۸۳).

کشورهای مختلف جهان نیز چنانچه مایل به گسترش مناسبات اقتصادی با جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز باشند، چاره‌ای جز استفاده از راه‌های زمینی یا فضای کشورهای ایران، افغانستان، چین، ترکیه و روسیه ندارند. چین صرفاً با بخشی از آسیای مرکزی هم‌مرز است و در عین حال، راه‌های ارتباطی آسیای مرکزی با چین نسبتاً دور است. افغانستان دچار ناامنی است و مهم‌تر از آن، این است که در خشکی محصور است. ترکیه فقط با ارمنستان و حدود ۹ کیلومتر با نخجوان هم‌مرز است و برای ارتباط با این جمهوری‌ها به راه‌های ارتباطی ایران نیاز دارد. تنها ایران و روسیه با دو منطقه آسیای مرکزی و قفقاز مرز مشترک دارند. روسیه نیز همواره در رسیدن به آب‌های گرم با مشکل مواجه بوده است؛ بنابراین ایران با برخورداری از مزیت ارتباط با دریا و راه‌های خشکی مناسب، شرایط ویژه‌ای را داراست.

ایران در مورد انتقال انرژی در دو زمینه معاوضه و خط لوله  $16KTI$  فعالیت می‌کند. معاوضه در سه فاز (گام) طراحی شده تا بتواند نفت کشورهای هم‌جوار را از طریق نفت‌کش به سواحل ایران در بندر تجهیز شده نکا منتقل و پس از عبور از خط لوله نکا-ری در پالایشگاه‌های

<sup>۱۶</sup>- قزاقستان، ترکمنستان و ایران.

مجموعه مقالات ششمین کنفرانس انرژی و محیط زیست

دوم دی ۱۳۹۵، تهران، مرکز همایش‌های صدا و سیما

۰۹۱۹۷۵۵۶۴۲۴ - (۰۲۱) ۸۸۶۷۱۶۷۶

مجریان: انجمن علمی مهندسی حرارتی و برودتی ایران

و هم اندیشان انرژی کیمیا

www.Energyconf.ir



شمال و شما غرب کشور (تبریز و تهران) تصفیه کند و از سوی دیگر، از جنوب کشور معادل مقدار توافق شده نفت دریافتی در شمال را تحویل دهد (Ibrahimi, 2005). این نوع معامله از ژانویه ۱۹۹۸ آغاز شد. قزاقستان نفت را در بندر نکا تحویل می‌داد و معادل آن از ایران در اسکله خارک نفت دریافت و به بازارهای بین‌المللی صادر می‌کرد. معامله تهاتری با قزاقستان پس از سه ماه به دلیل مشکلات نفتی متوقف شد، اما دو شرکت غربی فعال در ترکمنستان این‌گونه معامله با ایران را ادامه داده‌اند. مزایای معاوضه نفت این است که کشورهای حوزه خزر می‌توانند صدور نفت خام خود را به بازارهای بین‌المللی در زمان نسبتاً کوتاهی آغاز کنند و از سرمایه‌گذاری‌های هنگفت در خطوط لوله‌ای که از کشورهای مختلف می‌گذرد، اجتناب ورزند.

در حال حاضر ایران بیشتر فعالیت خود را روی موضوع دریافت نفت از دیگر کشورهای استحصال‌کننده متمرکز کرده است. سه بندر انزلی، نوشهر و نکا محصولات و فرآورده‌های نفتی را از کشورهای ساحلی خزر دریافت می‌کنند. بندر انزلی میزبان نفت‌کش‌های روسیه از بندر آستاراخان و ترکمن‌باشی (کراسنودسک سابق) قزاقستان است. همچنین آذربایجان نفت‌کش‌هایی را عازم بندر انزلی می‌کند. بندر نوشهر نیز میزبان نفت‌کش‌های باکو از آذربایجان، ترکمن‌باشی از قزاقستان و آستاراخان از روسیه است.

دومین اقدام انتقال نفت دریای خزر از طریق خط لوله KTI است که نفت قزاقستان و ترکمنستان را با طی مسافت ۹۳۰ مایل و ظرفیت روزانه یک میلیون بشکه از طریق جزیره خارک در خلیج فارس به بازارهای جهانی منتقل می‌کند. موقعیت ژئوپلیتیکی ایران از یک‌سو و جهت‌گیری مثبت سیاست خارجی ایران از سوی دیگر، سبب شد تا کشور ما در شرایط کنونی به کانون ارتباطات بین‌المللی با آسیای مرکزی و قفقاز تبدیل شود (سجادپور، ۱۳۷۳). کارشناسان معتقدند، از منظر امنیتی، عبور خط لوله صادرات نفت و گاز کشورهای حوزه خزر از ایران براساس اصل وابستگی متقابل، امنیت این کشورها را به امنیت ملی ایران پیوند خواهد زد و همسایگان ما ناچار خواهند شد در رفتارهای سیاسی خود ملاحظات امنیتی ایران را در نظر بگیرند. به‌طور کلی عبور لوله‌های نفت و گاز از ایران دو دستاورد بسیار مهم را به همراه خواهد داشت:

۱- افزایش ارزش ژئوپلیتیک ایران در قرن بیست‌ویکم با تسلط بر منابع نفتی دریای خزر و خلیج فارس و تأثیرگذاری بر عرضه‌کنندگان و مصرف‌کنندگان نفت.

۲- ایجاد هم‌گرایی منطقه‌ای، اعتمادسازی، کاهش تهدیدهای امنیتی و وابستگی متقابل از راه لوله‌های نفت و گاز.

عدم حضور مؤثر ایران در تحولات منطقه و خروج اجباری لوله‌های نفت و گاز به شکل‌گیری ژئوپلیتیک جدید علیه ایران منجر خواهد شد، از این‌رو، ایران باید به هر ترتیب از این بازی پیروز بیرون بیاید که برای رسیدن به این هدف از ابزارهای لازم نیز برخوردار است. در غیر این صورت، فرصت طلایی از دست خواهد رفت و محور ژئوپلیتیک جنوب به شمال، مغلوب محور شرق به غرب خواهد شد؛ آنگاه ایران از طبیعی‌ترین حق خود محروم خواهد ماند.

## ۶- جمع‌بندی و راهکارهای ارتقای امنیت انرژی کشور

انرژی مهم‌ترین نقطه پیوند اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی است و حضور جدی ایران در بازار انرژی از یک سو و توسعه صنایع بالادستی و پایین‌دستی حوزه نفت و گاز از سوی دیگر، در فرآیند توسعه اقتصادی ایران از اهمیتی استراتژیک برخوردار است. ایران با برخورداری از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و با دارا بودن ذخایر عظیم نفت و گاز و تجربه طولانی در حوزه انرژی و



## مجموعه مقالات ششمین کنفرانس انرژی و محیط زیست

دوم دی ۱۳۹۵، تهران، مرکز همایش‌های صدا و سیما

۰۹۱۹۷۵۵۶۴۲۴ - (۰۲۱) ۸۸۶۷۱۶۷۶

مجریان: انجمن علمی مهندسی حرارتی و برودتی ایران

و هم‌اندیشان انرژی کیمیا

www.Energyconf.ir



موقعیت جغرافیایی مناسب در خاورمیانه، از امکان ایجاد پیوند بین منابع انرژی خود از جنوب، شرق و شمال شرقی به مصرف‌کنندگان انرژی برخوردار است. همچنین ایران با در اختیار داشتن بیش از ۳۴ تریلیون مترمکعب ذخایر گاز و حدود ۱۵۷ میلیارد بشکه ذخایر قابل برداشت نفت، بزرگ‌ترین دارنده مجموع ذخایر هیدروکربوری جهان به شمار می‌آید.

ایران به دلیل عواملی مانند امنیت طول مسیر، کوتاهی مسافت تا آب‌های آزاد (در مقایسه با همسایگان شمالی)، هزینه‌های کمتر ترانزیت، وجود زیرساخت‌های مورد نیاز و سابقه دیرینه در مسایل مربوط به انرژی، به‌صرفه‌ترین راه انتقال انرژی حوزه خزر به بازارهای جهانی است، اما با عدم برنامه‌ریزی مناسب و بلندمدت در این خصوص، همراه با مخالفت آمریکا و سرمایه‌گذاری این کشور در پروژه‌های خطوط جایگزین - به‌ویژه خطوط انتقال انرژی غربی و سپس، شرقی - ایران هنوز نتوانسته از موقعیت ژئوپلیتیکی ممتاز خود که قرار گرفتن در بین دو مأخذ عظیم انرژی دریای خزر و خلیج فارس است، استفاده کند و با تبدیل شدن به هاب انرژی منطقه دریای خزر به اهمیت ژئوپلیتیکی خود بیفزاید و در نتیجه، ضریب امنیت ملی خود را افزایش دهد.

به‌رغم اهمیت اقتصادی و ژئوپلیتیکی غیرقابل انکار منطقه خزر، این منطقه به لحاظ فعالیت‌های اکتشافی و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز، همچنان ناشناخته باقی مانده است. با وجود این، فعالیت شرکت‌های بین‌المللی، به‌ویژه در چند سال اخیر نشان از تلاش این شرکت‌ها برای افزایش سرمایه‌گذاری و تولید نفت و گاز از این منطقه دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، کشورهای آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان در تلاش هستند با جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، روند تولید انرژی را افزایش دهند و جایگاه اقتصادی و سیاسی خود را در منطقه تقویت کنند. از این‌رو، سیاست‌گذاری ایران باید به‌گونه‌ای باشد تا با رصد فعالیت‌های کشورهای همسایه دریای خزر، زمینه‌های همکاری‌های دو یا چندجانبه را تقویت و برای بهره‌مندی از منافعی که در این خصوص ایجاد می‌شود، برنامه‌ریزی کند.

اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک این منطقه در رقابت‌های جهانی، حضور و نقش‌آفرینی قدرتمند کشورهای این منطقه را ضروری کرده است. موقعیت منحصربه‌فرد ایران در منطقه، امکان مدیریت منابع انرژی منطقه خزر و آسیای میانه را فراهم کرده است و ایران را قادر می‌سازد تا به هاب انرژی منطقه تبدیل شود؛ برای نمونه، با توجه به اینکه بخش اعظم منابع انرژی (نفت و گاز) کشورهای ترکمنستان و قزاقستان از طریق روسیه صادر می‌شود، این کشورها برای کاهش وابستگی به روسیه، تمایل به تنوع‌بخشی به مسیرهای صادراتی خود دارند. با توجه به موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ایران از جمله دسترسی به آب‌های آزاد و قرار گرفتن در مسیر کریدور شمال به جنوب، این فرصت برای کشورمان وجود خواهد داشت که با هزینه کمتر، امکان صادرات منابع نفت و گاز این کشورها را فراهم آورد. همچنین ذخایر گازی ایران و ترکمنستان به راحتی می‌تواند به کمک زیرساخت‌های موجود و توسعه زیرساخت‌های جدید در کشور به خطوط لوله انتقال گاز طبیعی به سمت اروپا بپیوندد که این موضوع علاوه بر تأمین منافع کشورهای ذی‌نفع، به افزایش امنیت منطقه نیز می‌انجامد.

ایران برای بهره‌برداری از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک خود در حوزه خزر با سه دسته از چالش‌های داخلی، منطقه‌ای و جهانی مواجه است: ۱- عدم استقلال سیاسی و اقتصادی کشورهای حوزه دریای خزر، ۲- تأثیرپذیری زیاد این کشورها از سیاست‌های ایالات متحده آمریکا و ۳- رقابت کشورهای منطقه خزر بر سر انتقال انرژی از کشورهای خود، از مهم‌ترین چالش‌های منطقه‌ای ایران هستند. مخالفت آمریکا با انتقال انرژی حوزه خزر از طریق ایران به مسأله‌ای بیش از مشکلات سیاسی بین دو کشور ایران و آمریکا مربوط می‌شود و هدف اصلی آمریکا، کاهش وابستگی بازارهای جهانی انرژی به این منطقه ژئوپلیتیک از طریق متنوع کردن مسیرهای حمل‌ونقل انرژی است. سیاست‌هایی که از طرف غرب به رهبری آمریکا علیه کشورمان اعمال می‌شود، با توجه به ظرفیت ایران و با هدف منزوی کردن ایران از معادلات جهانی و به‌ویژه بازار انرژی است.

مجموعه مقالات ششمین کنفرانس انرژی و محیط زیست

دوم دی ۱۳۹۵، تهران، مرکز همایش‌های صدا و سیما

۰۹۱۹۷۵۵۶۴۲۴ - (۰۲۱) ۸۸۶۷۱۶۷۶

مجریان: انجمن علمی مهندسی حرارتی و برودتی ایران

و هم اندیشان انرژی کیمیا

www.Energyconf.ir



همان‌گونه که اشاره شد، ظرفیت تولید نفت خام و گاز طبیعی کشورهای حوزه دریای خزر در دهه‌های آتی افزایش قابل توجهی خواهد یافت و در این بین ایران می‌تواند با توجه به موقعیت جغرافیایی خود انتقال حجم عمده‌ای از تولید نفت و گاز این کشورها را برعهده داشته باشد. بدیهی است که تعلق در توسعه همکاری‌های چندجانبه با کشورهای حوزه خزر، به نفع کشورهای غربی فعال در منطقه خواهد بود و از نقش مؤثر ایران در منطقه و جهان خواهد کاست. با عنایت به مطالب مطرح شده، در ادامه برخی مهم‌ترین راهکارهای عملی که می‌تواند موجب افزایش ضریب امنیت انرژی و به تبع آن، امنیت ملی کشور شود، ارائه می‌شود:

**- برنامه‌ریزی اصولی برای مدیریت بازار انرژی منطقه خزر و تبدیل شدن به هاب انرژی منطقه**

در اغلب تحلیل‌های بین‌المللی، دو منطقه خلیج فارس و دریای خزر به‌عنوان دو قطب مهم تولید و انتقال منابع انرژی در آینده انرژی ایفای نقش خواهند کرد. ایران با برخورداری از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک و با دارا بودن ذخایر عظیم نفت و گاز و تجربه طولانی در حوزه انرژی، از امکان ایجاد پیوند بین منابع انرژی خود از جنوب، شرق و شمال شرقی به مصرف‌کنندگان انرژی برخوردار است. این موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ممتاز این امکان را برای کشورمان فراهم می‌کند که خود را به «هاب انرژی» منطقه تبدیل کند.

**- اتخاذ دیپلماسی فعال و سازنده در حوزه انرژی**

عدم اتخاذ موضعی فعال در این زمینه به نوعی همراهی با تحریم‌های جهانی است. براساس این، به نظر می‌رسد، وجود یک دیپلماسی فعال و برنامه مشخص در زمینه روابط بین‌المللی انرژی و هماهنگی برنامه‌ها و سیاست‌های وزارت امور خارجه و وزارت نفت، می‌تواند منافع بلندمدت کشور را به همراه داشته باشد.

**- ارتقای امنیت انرژی کشور از طریق برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در اکتشاف و توسعه میادین نفت و گاز حوزه خزر**  
افزایش سرمایه‌گذاری در اکتشاف و توسعه میادین نفت و گاز حوزه خزر می‌تواند به افزایش ذخایر نفت و گاز کشور منجر شود. فعالیت‌های شرکت نفت خزر در لایه نفتی سردار جنگل در سال ۱۳۹۱ به اکتشاف ۲ میلیارد بشکه نفت درجای اولیه منجر شد. افزایش و تکمیل فعالیت‌های اکتشافی در دریای خزر می‌تواند با تنوع بخشیدن به منابع انرژی کشور، موجب افزایش امنیت انرژی کشور نیز شود.

**- استفاده از ظرفیت طرح سواپ نفت و فرآورده‌های نفتی با رفع مشکلات گذشته این طرح**

اجرای طرح سواپ در کشور از جمله اقدام‌هایی است که باعث کاهش هزینه احداث خط لوله اضافی از شمال به جنوب و تأمین انرژی مورد نیاز شهرهای شمالی کشور و همچنین باعث کسب درآمد برای کشور از طریق دریافت حق سواپ می‌شود. علاوه بر این مزایا، مهم‌ترین مزیتی که برای این طرح می‌توان بیان کرد، گره خوردن منافع کشورهای سواپ‌کننده با منافع ایران است. از این‌رو، در شرایط کنونی پساتحریم، اجرای طرح سواپ با رفع اشکالات گذشته این طرح از جمله در زمینه نرخ‌گذاری آن، از مواردی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

**- تعیین رژیم حقوقی دریای خزر**

یکی از مشکلات اساسی که اکنون دریای خزر با آن مواجه است، عدم تعیین وضعیت رژیم حقوقی آن است. همچنین فقدان یک موافقتنامه همه‌جانبه در مورد بهره‌برداری از منابع دریای خزر، مشکلات ناشی از دریاوردی و کشتیرانی آزاد، مشکلات مربوط به محیط زیست دریای خزر و مسایل مربوط به ماهیگیری (شیلات) و حفاظت از منابع دریای خزر، عمده‌ترین مسایلی است که اکنون

مجموعه مقالات ششمین کنفرانس انرژی و محیط زیست

دوم دی ۱۳۹۵، تهران، مرکز همایش‌های صدا و سیما

۰۹۱۹۷۵۵۶۴۲۴ - (۰۲۱) ۸۸۶۷۱۶۷۶

مجریان: انجمن علمی مهندسی حرارتی و برودتی ایران

و هم‌اندیشان انرژی کیمیا

www.Energyconf.ir



در این دریا وجود دارد و باید براساس حقوق بین‌الملل عمومی و کنوانسیون حقوق دریاهای و رژیم حقوقی دریاچه‌ها یا دریاهای بسته‌ای که دارای دو یا چند دولت ساحلی هستند، تعیین تکلیف شود.

## منابع

- ببری گنبد، سکینه (مهر ۱۳۹۳)، امنیت انرژی ایران در دریای خزر در بستر ترتیبات منطقه‌ای.
- بروجردی، علاءالدین، سلمان انصاری‌زاده و مهرداد کرمی (پاییز ۱۳۹۰)، ژئواکونومی دریای خزر و تأثیر آن بر تأمین امنیت انرژی در اتحادیه اروپا، فصلنامه راهبرد، شماره ۶۰.
- دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه (مرداد ۱۳۸۴)، منطقه دریای خزر؛ مسایل و موضوعات جاری، گزارشی از اداره اطلاعات انرژی آمریکا.
- سجادی‌پور، سیدکاظم (۱۳۸۷)، ایران، آسیای مرکزی و قفقاز، بررسی مقوله سطح تحلیل و روابط اقتصادی و سیاسی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز.
- شادی‌وند، قادر (زمستان ۱۳۹۱)، رویکرد اتحادیه اروپا در قبال ذخایر نفت خام و گاز طبیعی آسیای میانه و قفقاز؛ فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی ایران»، ماهنامه اکتشاف و تولید، شماره ۹۸.
- کولایی، الهه (پاییز ۱۳۸۵)، تهدیدات زیست‌محیطی دریای خزر، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- جاسبی، عبدالله (۱۳۸۱)، نفت دریای خزر و عملیات نفوذ در آسیای میانه، نشر مقاومت، دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول.
- مستقیمی، بهرام (۱۳۸۴)، حفظ محیط زیست دریای خزر (راهکارهای دیپلماتیک)، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۱)، نقش قدرت‌های منطقه‌ای و برون‌منطقه‌ای در حوزه خزر، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز.
- وحیدی، موسی‌الرضا (بهار ۱۳۸۱)، حضور نظامی آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز، واکنش روسیه، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۷.
- هاشمی، غلامرضا (زمستان ۱۳۸۱)، عوامل درون منطقه‌ای تأثیرگذار بر امنیت قفقاز، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴.
- Business Monitor International, Turkmenistan Oil and Gas Report, Q1, 2016
- Dwivedi, Ramakant (2006), China's Central Asia Policy in Recent Times, China and Eurasia. Forum Quarterly Central Asia- Caucasus Institute & Silk Road Studies Program, No.4.
- Energy Information Administration (EIA), 2015.
- Ibrahimi, Mohammad, «Russia's Energy Strategy: Capacities and Policies», Amu Darya, Vol 9, No, 19, 2005
- Peuch, Jean Christophe (2001), «Private and National Interests in the Caspian Region» in: The politics of Caspian Oil, Edited by Bulent Gokay, Palgrave.